

راه کارگر چگونه می خواهد با «گروه گرایی» و «سکتاریسم» مبارزه کند؟

احمد آزاد

در تابستان امسال به فاصله کوتاهی، هفتمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و یازدهمین کنگره سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر تشکیل شد. در هر دو کنگره پس از چند روز بحث و گفتگو، شرکت کنندگان دو سند سیاسی را با رای بسیار بالا (سند سیاسی کنگره راه کارگر با ۹۶ درصد آرا و سند سیاسی کنگره اتحاد فدائیان با ۸۹ درصد آرای شرکت کنندگان کنگره) تصویب کردند. طبعاً هر دو سازمان فعالیتهای سیاسی خود را بر پایه سند سیاسی مصوب کنگره خود تنظیم خواهند کرد. از این رو بررسی و مقایسه این دو سند، امکانی است برای نشان دادن اشتراکات و افتراقات احتمالی آنها در عرصه فعالیتهای سیاسی.

روش کار دو سند سیاسی تقریباً مشابه است. از تحلیل شرایط سیاسی ایران، حکومت و طبقات و اقشار مختلف اجتماعی در ایران آغاز کرده و به چشم اندازها و برنامه کار خود ناشی از ارزیابی سیاسی ختم می شوند. به منظور انجام یک مقایسه دقیق موضوعات تفکیک شده و در چهار گروه جداگانه به صورت اجمالی بررسی می شوند:

۱- تحلیل از شرایط ایران و وضعیت اقشار و طبقات مختلف اجتماعی

۲- تحلیل تحولات درون حکومت و وضعیت جناح های حکومتی و سیاست های آن

۳- اپوزیسیون

۴- چشم اندازها و سیاست های دور آینده

۱- تحلیل از شرایط ایران و وضعیت طبقات و جنبش های مختلف اجتماعی

تحلیل عمومی اوضاع

سازمان اتحاد فدائیان: همراه با وخامت اوضاع و تشدید بحران در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و به رغم تداوم سرکوبگری های رژیم جمهوری اسلامی که بحران سازی در مناسبات خارجی را نیز وسیله ای برای تیز کردن تیغ سرکوبش در داخل و همچنین پوششی برای درماندگی اش در پاسخگویی به مطالبات بیشتر مردم کرده است، دو سال گذشته شاهد گسترش و اوجگیری جنبش های اجتماعی در زمینه ها و اشکال گوناگون بوده است.

راه کارگر: در دوره اخیر حکومت اسلامی تلاش کرد با استفاده از افزایش تنش در صحنه بین المللی و بکارگرفتن برگ های دیگری در عرصه داخلی برای خود فرجه بقاء فراهم کند. حکومت اسلامی در دوره اخیر در صحنه داخلی بر این خیال بود که با متمرکز و یک پارچه شدن در بالا و فعال کردن بیشتر نیروی سرکوب خود و با بهره بردن از منابع مالی ناشی از افزایش درآمد نفت برای پاسخ فوری به تنگناهای زندگی توده مردم، جنبش های اجتماعی را درهم شکسته و خاموش کند. اما تمهیدات حکومتی تا کنون کارآئی لازم را نداشته است. نیروی جنبش های اجتماعی بیش از آن بوده است که "دستگاه ولایت فقیه" قادر به عقب راندن آن شود.

کارگران

سازمان اتحاد فدائیان: مهم ترین تحول سال های اخیر، تلاش های گسترده گروه های زیادی از کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری بوده است که نمونه برجسته آن، مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

راه کارگر: نیروی کار و جنبش اجتماعی زحمتکشان در دور اخیر نمایشگر کیفیت نوینی از مبارزه بود. حرکت کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران اگرچه محدود به یک مؤسسه و یک شهر بود اما تأثیر مهمی در صحنه سیاسی کشور داشت. چراکه این مبارزه برای تشکل مستقل بود.

زنان

سازمان اتحاد فدائیان: آخرین نمونه گردهمایی و حرکت اعتراضی زنان در تهران، در خرداد گذشته، نیز به روشنی نشان داد که جنبش زنان از پایدارترین و دامنه دارترین جنبش های اجتماعی در ایران است و تهدیدات، فشارها و هجوم وحشیانه قداربندان خامنه ای و احمدی نژاد هم نمی تواند آن را متوقف نماید.

راه کارگر: گسترش مبارزه زنان علیه ستم جنسی در دوره اخیر نمایان بود. مبارزه علیه تبعیض جنسی و سنتها، نهادها و قوانین پایدار کننده این تبعیض، از تأثیر گذارترین مبارزه ها در صحنه سیاست عمومی بود. مرتجع ترین نیروها هم دیگر نمی توانند حضور و قدرت و تأثیر این جنبش را نادیده بگیرند.

سازمان اتحاد فدائیان: در دو سال گذشته هم تلاش های گسترده ای در میان فعالان جنبش زنان برای تغییر قانون اساسی و دیگر قوانین، جهت رفع تبعیضات قانونی و تامین برابر حقوقی کامل با مردان، در قالب فعالیت کانون ها، تشکیل انجمن ها، برگزاری اجتماعات و انتشار نشریات مختلف، صورت گرفته و چهره خشن و غیر انسانی نظام کنونی را، بیش از پیش افشا کرده است.

راه کارگر: اگر چه مطالبات حرکت های زنان کشور بیشتر در حد تغییر و اصلاح قوانین است اما رفتن به سوی ریشه ها و مبارزه برای دگرگونی بنیادی در مناسبات زن و مرد و دفاع از مطالبات زنان زحمتکش و کارگر و ارتباط گیری با آن ها، با فعالیت زنان رادیکال پر نفس تر می شود.

جنبش های ملی

سازمان اتحاد فدائیان: حوادث دو سال گذشته در کردستان و خوزستان و اخیراً در آذربایجان، نیز نشان داد که جنبش ها و خواست های ملی همچنان یکی از مهمترین عرصه های چالش با جمهوری اسلامی است

راه کارگر: جنبش ملیتهای ساکن ایران در یکسال گذشته و حوادث خونین بلوچستان، از مهم ترین و تأثیر گذارترین مسائل سیاسی بود.

جنبش های دانشجویی

سازمان اتحاد فدائیان: جنبش دانشجویی ایران به تلاش ها و پیکارهای خود برای تامین حقوق صنفی و سیاسی، و خصوصاً در دوره اخیر، برای مقابله با سیاست های دولت جدید در جهت اسلامی کردن باز هم بیشتر محیط های دانشگاهی و آموزشی و اعمال سلطه نهادهای مذهبی بر آنها، ادامه می دهد. این جنبش همچنین، نقش واسط بسیار مهمی در اشاعه فرهنگ مقاومت در برابر استبداد و بی حقوقی و اعلام همبستگی با دیگر جنبش های جاری اجتماعی (اعتراضات به وضعیت زندان ها و زندانیان سیاسی، بازداشت وبلاگ نویسان و غیره) ایفا می کند. گرایش به استقلال در جنبش دانشجویی، که نطفه های آن از ۱۸ تیر ۱۳۷۸ قابل رویت بود، همان طور که موضع گیری آن در مورد نمایش انتخاباتی نهمین دوره ریاست جمهوری هم نشان داد، به گرایش غالب در این جنبش تبدیل شده است.

کنترل شده نباشد ندارند. اما دستگاه ولایت برای بقا در دوران سخت و بحرانی به نیروی نسل دومی ها به عنوان تنها تکیه گاه نیازمند است. همین نیاز، در دوران بحران پیچیده به عامل تشدید کننده بحران و نه حل آن تبدیل می شود. چون میدان داری بیش از حد این نیرو می تواند تکان های زیادی هم به وجود آورد که با برنامه های صاحبان اصلی قدرت سازگار نباشد. این دارو دسته نسل دومی ها اشتهای زیادتر از حد مورد نظر دستگاه ولایت دارند و حتی می توانند تهدیدی برای کانون اصلی قدرت باشند. نیروهای اصلی نسل اول حکومت اسلامی، از محافظه کاران سنتی تا اصلاح طلبانی که خود را لیبرال دمکرات (کارگزار سازندگی) و باصلاح سوسیال دمکرات (مشارکتی ها) می نامند، به هم نزدیک می شوند تا طرف حساب کار را بداند.

سیاستهای اقتصادی و نتایج آن

سازمان اتحاد فدائیان: چارچوب اصلی سیاست اقتصادی این دولت نیز همان سیاست معروف "تعدیل اقتصادی" است که در عمل، تلفیقی از لیبرالیسم افسارگسیخته و یکه تازی انواع نهادها و بنیادهای مافیایی دولتی، خصوصی و اختصاصی وابسته به سران و وابستگان جناحها و دستجات حکومتی است. بحران اقتصادی گریبانگیر جامعه ما در دوره گذشته حادث شده و با ادامه و اجرای سیاستهای دولت جدید نیز شدیدتر می شود.

راه کارگر: ابلاغ سیاستهای خصوصی سازی مصوب مجمع تشخیص مصلحت (در راستای برنامه توسعه ۲۰ ساله اقتصاد نئولیبرالی حکومت اسلامی) از جانب ولی فقیه در تیرماه ۸۵ از آخرین اقدامهای کنترلی است. ابلاغ این "سیاستهای کلی بندج اصل ۴۴ قانون اساسی" که یک سال پیش تصویب شده بود در این مقطع زمانی علاوه بر کنترل هیاهوی "عدالت طلبی"، انطباق کامل با هدف اقتصادی "خاورمیانه بزرگ" راهم اعلام می کند. خصوصی سازی ۸۰ درصد سهام مؤسسه های اقتصادی دولتی همانطور که مقامهای اقتصادی حکومتی می گویند "انقلاب اقتصادی در تاریخ ایران" است. آنها درست می گویند انقلاب نئولیبرالی اقتصاد ایران و پایان دادن به هیاهوی "عدالت" و بی مهار کردن بهره کشی است.

سازمان اتحاد فدائیان: شعارهای "پوپولیستی" اسلامی دولت احمدی نژاد در باره "بردن پول نفت بر سر سفره های مردم" ضمن آن که عملاً درآمدهای سرشار نفتی را هرچه بیشتر در معرض چپاولگری نهادها و بنیادهای حکومتی موجود و ارگانها و گروه های تازه به قدرت رسیده می گذارد، با تخریب وسیع تر شالوده تولیدی اقتصاد و دامن زدن به تورم شدید قیمتها، باقی مانده قوت لایموت محرومان و زحمتکشان را نیز از سفره آنها می رباید.

کردن نسبی حکومت به نفع خامنه‌ای و جناح وی، جناح تمامیت خواه بوده است.

راه کارگر: طی سال گذشته دگرگونی های درونی حکومت اسلامی آرایشهای جدیدی شکل داده است. برنامه دستگاه ولایت برای بقاء در برابر بحران داخلی، و فشار خارجی متمرکز و یک پارچه شدن در بالا و سرکوب بیشتر و آمادگی برای مقابله با تهدیدهای نظامی بوده است.....

سازمان اتحاد فدائیان: تنزل نسبی موقعیت روحانیت و متقابلاً، ارتقای موقعیت فرماندهی سپاه و بسیج در ساختار حکومتی یکی دیگر از جا به جایی های مهم در سالهای اخیر بوده است. بیزاری روزافزون توده ها از حکومت ملایان و بدنامی بیشتر عناصر سابقه دار و سرشناس رژیم، توسل بیش از پیش ولی فقیه به نیروهای نظامی و امنیتی برای عقب راندن رقیبان و همچنین سهم خواهی افزونتر بخشی از فرماندهان سپاه و مسئولان امنیتی، موجب آن شده است که اکنون دیگر سپاه پاسداران تنها سرنیزه سرکوبگری و فقط حافظ قدرت حکومت اسلامی نیست، بلکه خود شریک روحانیت در این قدرت است..... بازگشت به گذشته یکی از شعارها و سیاست های دولت جدید است که خود را "دولت اسلامی" می نامد و در اندیشه ایجاد "جامعه اسلامی" و نهایتاً "حاکمیت جهانی اسلام" است.

راه کارگر: برای این منظور به نسل دوم کادرها و فعالان حکومتی و نهادهای نظامی خود متوسل شد. این نسل دوم، طی دوره اصلاح طلبان متشکل شده و سهم خواهی می کردند. آنها که هنوز به امتیازهای مالی آن چنانی نرسیده و سنگین وزن نشده اند، با تحرک زیاد همه چیز را زیر سؤال برده و سناریوی قدیمی شده نسل اولی های سالهای آغازین انقلاب را تکرار می کنند.

اختلافات درونی رژیم

سازمان اتحاد فدائیان: در درون حکومت نیز اراده واحدی پشت همه سیاستهای کنونی وجود ندارد. نحوه قبضه قدرت توسط جناح غالب، از طریق حذف آشکار و تحقیرآمیز رقبای درون حکومتی و افزودن بر فشارهای متعدد بر این رقبای بعد از راندن آنها، عملاً در درون حکومت هم مقاومت در برابر جریان حاکم را دامن زده است. جا به جایی های گسترده در درون دستجات حکومتی طی دو سال گذشته، هنوز به نقطه "تعادل" نرسیده است و دعوا در داخل جناح غالب و در میان مجموعه جناح های رژیم استمرار خواهد یافت.

راه کارگر: نهادهای مستقر بورژوازی و به ویژه روحانیون صاحب امتیاز، تاب این شلوغ کاریها را اگر

راه کارگر: دانشجویان و جنبش دانشجویی نشانه های زیادی از آغاز دوره جدید بروز دادند. نسل تازه دانشجویان که تقریباً بعد از شکست اصلاح طلبی و آشکار شدن تجربه آن به دانشگاه آمده اند، نه تنها نفی کامل حکومت را که تجربه و دست آورد نسل قبلی بود، ادامه دادند بلکه خود با دستاوردهای جدیدشان عبور از موازین اصلاح طلبی و گفتن لیبالی را آغاز و تجربه می کنند. ودلاورانه از جنبشهای اجتماعی دفاع کرده و با آنان ارتباط می گیرند

جمع بندی بخش اول: ارزیابی هردو سازمان از

شرایط عمومی جامعه و وضعیت طبقات و جنبشهای مختلف اجتماعی تقریباً یکسان است. ارزیابی هر دو بر این است که حکومت در یکی دو سال گذشته فشار و سرکوب را با هدف عقب راندن مبارزات مردم و جنبشهای اجتماعی تشدید کرده است، ولی این سیاست نه تنها نتیجه نداشته بلکه مقاومت در مقابل تعرضات حکومت گسترده تر شده است. جنبش کارگری در تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل خود گام جدی به جلو برداشته علیرغم آن که همچنان عمده مبارزات کارگران پیرامون دریافت دستمزدهای معوقه و بازگشت به کار متمرکز است و همچنان از پراکندگی رنج می برد. مقاومت اقشار مختلف اجتماعی بویژه زنان، جوانان ادامه داشته و رشد کیفی کرده است. البته اختلافاتی هم دیده می شود و از آن جمله ارزیابی دو سند از پیوستگی و همراهی جنبشهای اجتماعی با یکدیگر یکسان نیست. در سند کنگره راه کارگر آمده است: « آنچه که در حرکتهای جنبشهای اجتماعی در دوره گذشته برجسته شد و نشان از مرحله تازه دارد، همبستگی و دفاع از یکدیگر و شرکت فعالان جنبشهای مختلف در حرکت های یکدیگر است که به طور عملی نوعی از گرد هم آمدن و حرکت متحدانه را نمایش داد.» در حالیکه کنگره اتحاد فدائیان بر پراکندگی و ارتباط ضعیف این جنبشها با یکدیگر اشاره دارد. همچنین در زمینه مبارزات طبقه کارگر، سند کنگره راه کارگر بر سطح نازل مبارزات کارگران در موسسات بزرگ اشاره دارد، در حالیکه سند کنگره اتحاد فدائیان به مبارزات کارگران موسسات بزرگ اشاره می کند.

۲- تحلیل تحولات درون حکومت و وضعیت جناح های حکومتی و سیاستهای آن

تحلیل از حکومت

سازمان اتحاد فدائیان: تعیین محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری رژیم، بعد از تصرف مجلس در دو سال پیش، گام مهم دیگری در کنار زدن رقبا و تصاحب همه قوا و تمرکز بیشتر قدرت و یکدست تر

دموکرات، چپ و آزادی‌خواه، همه فعالان جنبش های اجتماعی و مدنی، شخصیتها، جریانات و احزاب ملی را به همکاری و اتحاد برای ایجاد یک نظام متکی بر اراده مردم ایران فرا میخوانیم.

سازمان ما می‌بایست با تکیه بر پرنسب‌های که در سند کنگره ششم برای یک ائتلاف وسیع، بر آنها تاکید شده است همچنان برای شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع تلاش کند.

راه کارگر: ادامه تلاش و مبارزه برای هدف هایی که کنگره دهم تعیین کرده بود و با تاکید بیشتر بر مواردی که در شرایط تازه برجستگی پیدا می کند [بند اول قطعنامه مصوب کنگره دهم راه کارگر با عنوان « استراتژی و مبنای تاکتیک های ما در مبارزه با جمهوری اسلامی »: « سازمان ما برای آلترناتیو سوسیالیستی در برابر جمهوری اسلامی مبارزه می کند. جایگزینی جمهوری اسلامی با خود حکومتی اکثریت استعمار شونده و مزد و حقوق بگیر، استراتژی ما در مبارزه با جمهوری اسلامی است. »]

حضور و مداخله فعال در صفوف مقدم پیکار برای آزادی و دموکراسی و کمک به گسترش جنبش عمومی علیه استبداد.

سازمان اتحاد فدائیان: ما خواستار تحولات بنیادین و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران هستیم. از نقطه نظر ما نیروی تحول در ایران جنبشهای سازمان یافته و خودآگاه اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و مهمترین آنها جنبش رو به گسترش کارگران و زحمتکشان است. پیوند میان مبارزات آزادیخواهانه و مبارزات عدالت طلبانه توده‌های مردم از نیازهای اساسی گسترش و تقویت این مرحله جنبشهای جاری اجتماعی است

راه کارگر: نیروی عظیم کار چه بخش رسمی و چه غیر رسمی و همه زحمتکشان برای آنکه صدا و عمل هماهنگی بیابند نیاز به یک فضای عمومی ارتباطی و به ویژه با همه جنبشهای اجتماعی ضد نئولیبرالی دارند. این فضا، یعنی جنبش جنبشها، با مرتبط شدن همین جنبشهای موجود به وجود می‌آید. می‌توان از طریق دیالوگ و بحث به نقشه‌های عمل مشترک و گوناگون علیه برنامه های نئولیبرالی حکومت و مبارزه برای وسیع‌ترین حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادی و دموکراسی و علیه همه تبعیضها و تبعیض جنسیتی و علیه جنگ و نظامی‌گری رسید

سازمان اتحاد فدائیان: ما از گسترش مبارزات صنفی، مطالباتی و سیاسی در میان کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، ملیت ها و اقلیت‌های مذهبی و دیگر گروه ها و اقشار اجتماعی

است و برخی جریانات دیگر نیز از هم اکنون به این حضور و استفاده از آن برای تغییر رژیم، امید بسته اند.

راه کارگر: نیروهای اپوزیسیون حکومت اسلامی در شرایط جدید هم چون خودحکومت، آرایش تازه ای پیدا می کنند. در این مرحله حساس، تنش در سیاست خارجی و بویژه بحران میان حکومت اسلامی و آمریکا نقش مهمی در صف بندی این نیروها بازی می کند. اگر این تنش و بحران حادث شود، بخش های بیشتری از نیروهای سیاسی اپوزیسیون (بسیار بیشتر از سلطنت طلبان و مجاهدین و بخشی از لیبرال های بیرون حکومت که در گذشته هم چنین می کردند) به آمریکا و متحدان او نزدیکتر از پیش میشوند. این دسته از نیروها فقط به دنبال کسب قدرت و یا شریک شدن در آند و در متحد شدن با آمریکا، همه موازین دموکراسی و حق خود تعیین کنندگی سرنوشت را زیر پا می گذارند و دشمنان مردم اند.....

بخش دیگری از نیروهای اپوزیسیون که شامل چپ ها و نیروهای غیر چپ هم میشود و بر قدرت خود مردم متکی اند و هر عمل سیاسی را از این زاویه نگاه می کنند در مقابل مداخله گری امپریالیستی موضع می گیرند و مبارزه قاطع با حکومت اسلامی را پیش می برند. ما خود را در این صف می بینیم و برای گسترده شدن آن تلاش می کنیم چرا که « چگونگی سرنوشتی حکومت اسلامی از نظر ما باندازه خود سرنوشتی دارای اهمیت است و جدا از آن نیست..... »

جمع بندی بخش سوم: ارزیابی هر دو سند از موقعیت اپوزیسیون و تقسیم بندی درونی آن یکی است. هر دو اپوزیسیون را به دو دسته اصلی تقسیم میکنند. نیروهای طرفدار حکومت موروئی، سلطنتی یا دینی، که نیم نگاهی نیز به قدرتهای جهانی داشته و امید دارند تا با کمک و مداخله مستقیم قدرتهای جهانی و در راس آن آمریکا، حکومت فعلی سرنوگون شده و آنها به تخت پادشاهی یا صندلی ولایت خود برسند. دسته دوم نیروهای دموکرات و چپ هستند که بر حاکمیت مردم باور داشته و خواهان استقرار آزادی، دموکراسی و حکومتی دموکراتیک متکی بر اراده مردم هستند. هر دو سند، سازمانهای خود را در این گروه اپوزیسیون جای می دهند.

۴ - چشم اندازها و سیاستهای دور آینده

سازمان اتحاد فدائیان: هدف مقدم ما استقرار یک جمهوری دموکراتیک و لائیک به جای جمهوری اسلامی است. برای تحقق این امر ما همه نیروهای

راه کارگر: پیش گرفتن این برنامه، بحران و فلاکت زندگی تا کنونی بزرگترین بخشهای جمعیت را شدیدتر خواهد کرد. نه تنها نانی از بابت " نفت " در سفره ها نیامد بلکه آخرین داشته‌ها هم ربوده میشود.

جمع بندی بخش دوم: ارزیابی هر دو سند از تحولات در قدرت حاکمه و جابجایی در بالا تقریباً مشابه است. جناح ولی فقیه در تلاش برای یکدست کردن قدرت خود، با استفاده از شورای نگهبان و نیروهای نظامی، مجلس و ریاست جمهوری را تحت کنترل خود گرفت و عملاً با تسلط بر تمامی ابزار و اهرم های دولتی و نظامی عمده قدرت را متمرکز و قبضه کرده است. اما علیرغم این تلاشها در درون حکومت توافق و یکدستی وجود ندارد و همچنان جناح های درونی با یکدیگر بر سر سیاست گذاری رقابت دارند. هر دو سازمان سیاست های اقتصادی حکومت را در چارچوب سیاست های اقتصادی نئولیبرالیسم ارزیابی می کنند، که تنها به تشدید فقر و فلاکت بیشتر مردم می انجامد

۳- اپوزیسیون

سازمان اتحاد فدائیان: اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز طی سال های اخیر شاهد دگرگونی در صف بندی های درون خود بوده است. شکست اصلاح طلبان حکومتی، که بر توهم "دموکراسی دینی" نقطه پایان گذاشت و تحولات داخلی و بین المللی مختلف اثرات پا بر جایی در صفوف درونی اپوزیسیون بر جای نهاده است. اکنون عمده ترین صف بندیهای درون اپوزیسیون ایران را می توان به ترتیب زیر ارائه کرد:

الف - نیروهایی که خواهان حق حاکمیت مردم هستند. دولت را تابع رای و اراده مردم می دانند. بر جدائی دین از دولت تاکید می کنند و هر گونه حکومت مذهبی و هر گونه بازگشت به سلطنت را منتفی دانسته خواستار استقرار جمهوری هستند. اکثر جریانات، احزاب و شخصیت های دموکرات و چپ ایران، در زمره این نیروها هستند.....

ب- نیروهایی که از حکومت مشروطه، چه اسلامی و چه سلطنتی آن، دفاع می کنند و در واقع حق حاکمیت مردم را به مذهب و متولیان مذهبی یا حق موروئی پادشاه مشروط می کنند. از یک سو جریانات مذهبی که رسماً جدائی نهاد دین از نهاد دولت را نپذیرفته اند، در این زمره اند و از سوی دیگر طرفداران بازگشت به مشروطه سلطنتی، در این گروه بندی قرار دارند. گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه، سلطنت طلبان، دشمنان دیرین دموکراسی و استقلال را به تکاپوی تازه ای انداخته

سوی دیگر، تاکید دارند. با این همه این پرسش باقی می ماند که این دو سازمان چگونه تلاش هایشان برای تحقق برنامه های سیاسی خود را، هماهنگ می کنند؟ اما این بار اول نیست که چنین نزدیکی و مشابهت هایی در ارزیابی سیاسی یا برنامه ای بین این دو سازمان دیده می شود. در طول سالهای گذشته (بیش از یک دهه) تقریباً این وضعیت همیشه وجود داشته است. می توان به دهها اعلامیه مشترک این دو سازمان پیرامون مسائل و تحولات مختلف سیاسی در ایران مراجعه کرد و شاید بارزترین نمونه را بتوان موضع مشابه هر دو سازمان پیرامون انتخابات های دوره اخیر در جمهوری اسلامی دانست. اما در طول چند سال گذشته از سطح همکاری ها و فعالیت های مشترک این دو سازمان به تدریج کاسته شد و در سال گذشته به دنبال خروج راه کارگر از « کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران » عملاً به حد صفر رسید. تا جایی که حتی در برخی فعالیت های دموکراتیک هم رفقای راه کارگر تمایلی به همکاری با سازمان اتحاد فدائیان نداشتند. این دوری و کناری گیری، نه ناشی از تغییر اساسی در ارزیابی های سیاسی و نه نتیجه تحولی در برنامه های سیاسی دو سازمان، یا حداقل سازمان اتحاد فدائیان بود، بلکه صرفاً تمایل و خواست رفقا راه کارگر بر این قرار گرفته بود که به همکاری های خود با این سازمان و دیگری از سازمان های سیاسی خاتمه دهند، بدون آنکه هیچگاه توضیح روشنی داده شود.

اگر برنامه سیاسی مبنای فعالیت سازمان های سیاسی است و اگر نزدیکی و دوری سازمان های سیاسی و زمینه های ائتلاف و همکاری آنها را برنامه سیاسی تعیین می کند، باید گفت که حداقل در سال های اخیر برای سازمان راه کارگر ظاهراً ملاک های دیگری برای همکاری با دیگر سازمانها و از جمله سازمان اتحاد فدائیان، وجود داشته است. اما این ملاکها در هیچ یک از اسناد رسمی این سازمان ارائه نشده و در سند کنگره اخیر نیز دیده نمی شود، برعکس در این کنگره بر لزوم « همراهی با کمونیست ها و سوسیالیست های دموکرات برای حمایت از سازمانیابی کارگران و زحمتکشان » تاکید شده و بویژه از مبارزه با « گروه گرای و سکتاریسم » صحبت به میان آمده است. جدی بودن این صحبتها، طبعاً در عرصه عمل سنجدیده می شود.

اکنون این پرسش اصلی باقی می ماند که آیا سازمان راه کارگر مصمم است تا همچون سالهای گذشته بر اساس ملاکهای « ویژه راه کارگر » سیاستهای ائتلافی خود را پیش برد و یا اراده ای جدید برای همکاری با دیگر جریان های سیاسی و چپ ها در چارچوب مصوبات کنگره یازدهم راه کارگر شکل گرفته است؟ پرسشی که تنها رفقای راه کارگر می توانند به آن پاسخ دهند.

پنجشنبه ۶ مهرماه ۱۳۸۵ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۶

کارگری، زنان، جنبش های اجتماعی، مسائل نظری، تبلیغاتی و انتشاراتی و غیره تشدید کرده و تلاش خود را برای یافتن زمینه های تفاهم بین نیروهای چپ افزایش دهیم. ضروری است این همکاری ها از چنان اشکالی برخوردار باشند که بتوانند مشارکت نیروهای فعال سیاسی چپ غیرمشکل را هم در بر گیرند. اتحاد و همگرایی جریان های چپ، بایستی گامی در جهت تحقق برقراری پیوند و ارتباط با جنبش های اجتماعی جاری در ایران و بویژه جنبش کارگران و دیگر مزد حقوق بگیران باشد.

راه کارگر: همراهی با کمونیست ها و سوسیالیست ها ی دموکرات برای حمایت از سازمانیابی کارگران و زحمتکشان و مبارزه با گروه گرای و سکتاریسم که سازمانیابی طبقاتی را می شکند. اگر موجودیت کمونیست ها جدا از جنبش طبقاتی و پایه های اجتماعی انگاشته نشود و هدف درخود نباشد، و هدف، حرکت و اعتلا جنبش طبقاتی باشد، راه متحد شدن آنها نیز از بستر فعالیت مشترک برای کمک به پیشروی نیروی کار و زحمتکشان می گذرد..... مبارزه نظری علیه سرمایه داری و برنامه های نئو لیبرالی، که در ایران سرعت می گیرد، و توضیح مواضع سوسیالیستی برای پیش بردن مبارزه عملی علیه سرمایه داری و برای آلترناتیو سوسیالیستی و کمونیسم.

جمع بندی بخش چهارم: می توان گفت که جدا از اختلاف دیرینه در مورد بند استراتژی مربوط به « آلترناتیو سوسیالیستی به عنوان جایگزین جمهوری اسلامی »، برنامه سیاسی دو سازمان به تریبی که در آخرین کنگره های آنها به تصویب رسیده، مشابه یکدیگر است، چه در عرصه تلاش برای آزادی و دموکراسی و کمک به گسترش جنبش عمومی علیه استبداد، چه در عرصه یاری رساندن به سازماندهی جنبش های اجتماعی و بویژه جنبش طبقه کارگر، چه در عرصه حل دموکراتیک مسئله ملی در ایران، چه در عرصه مقابله با سیاست های قدرتهای جهانی در منطقه و تلاش در بلند کردن صدای مستقل مردم ایران و دست آخر در عرصه ائتلاف و همکاری چپها و مبارزه با گروه گرای و سکتاریسم.

سخن آخر

نگاهی بیطرفانه به بررسی فوق نشان میدهد که دو سازمان راه کارگر و اتحاد فدائیان در حال حاضر نه ارزیابی متفاوتی از تحولات درون حکومت و اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران دارند و نه، به تبع این ارزیابی اختلاف چندانی در برنامه های سیاسی آنها مشاهده می شود. هر دو سازمان بر لزوم گسترش ائتلاف ها و همکاری های نیروهای سیاسی دموکرات و چپ در عرصه گسترش مبارزه با استبداد و برای آزادی و دموکراسی از یکسو و همکاری و همگرایی چپها از

دفاع می کنیم و بر همبستگی آنها تاکید می کنیم. از هرگونه تلاش کارگران و فعالین سندیکایی برای احیاء و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری استقبال می کنیم

راه کارگر: پیگیری جستجوی راهها و شیوه های سازمانیابی مناسب کارگران و زحمتکشان و از جمله بخش های غیررسمی نیروی کار.

سازمان اتحاد فدائیان: تبعیض و ستم ملی در ایران، مساله ای واقعی است که انکار آن به هر عنوان، کمکی به حل آن نمی کند. تلاش برای حل دموکراتیک و مسالمت آمیز مساله ملی بر مبنای حق تعیین سرنوشت و اراده آزاد مردم هر منطقه در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و فرهنگی مردم ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن بسیار اهمیت دارد.

راه کارگر: ما ضمن دفاع از همبستگی و با هم بودن همه ملیتها و مردم ساکن این سرزمین، در چارچوب فدرالیسم، برآنیم که مسئله ملی و دفاع از برابری کامل همه ملیتها در همه حوزه ها و دفاع از حق تعیین سرنوشت همه آنها در این مقطع زمانی از حساسیت ویژه ای برخوردار است..... تدقیق موضع در مورد فدرالیسم و روشن تر کردن سیاستهای مربوط به آن.

سازمان اتحاد فدائیان: مخالف هرگونه مداخله نظامی یا تحریم اقتصادی کشورمان، هستیم. ما معتقدیم دموکراسی در ایران نه از طریق ورود تفنگداران قدرت های خارجی، تنها با اراده و عزم ملت ایران مستقر خواهد شد. ما خواستار پشتیبانی نهادها و جنبش های مترقی بین المللی از مبارزات مردم ایران در راه دموکراسی بوده و هیچ قدرتی را جایگزین اراده ملت ایران نمی دانیم.

راه کارگر: یاری به بلند شدن صدای سوم در مقابل حکومت اسلامی و مداخله گری امپریالیستی و هم گام شدن با همه نیروهایی که علیه این دو ارتجاع مبارزه می کنند.

سازمان اتحاد فدائیان: ما بر لزوم همکاری و اتحاد نیروهائی که برای سوسیالیسم می رزمند، تلاش برای گسترش همکاری و هماهنگی نیروهای چپ، بویژه چهار سازمان فوق [سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له، شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران، سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت و ما] که نزدیکی بیشتری دارند، تاکید داریم. در این رابطه لازم می دانیم که همکاری ها را در هر سطحی که ممکن باشد، از گفتگو و دیالوگ گرفته تا فعالیت های مشترک در زمینه مسائل